



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مجموعه مباحث دفاع از پیامبر اعظم (ص)

توبه و ایمان خستین و حاتم

علی اصغر رضوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۷	مقدمه ناشر
۱۹	پیشگفتار
۱۹	بررسی مفهوم ترور
۲۱	اولین ترور در اسلام
۲۳	حکم ترور از دیدگاه شرع
۳۱	بررسی آیه ارباب
۳۳	اقدام به جهت دفاع از جان
۳۳	توجیه برخی از ترورها
۳۹	اسلام و خشونت
۳۹	مفهوم خشونت
۴۰	انواع خشونت
۴۰	انواع خشونت
۴۰	۱ - مجازات و کیفر
۴۰	۱ - مجازات و کیفر
۴۱	ضرورت وجود مجازات در جامعه
۴۲	تبعیت احکام از مصالح
۴۵	مجازات و کرامت انسان
۴۶	۲ - خشونت در کشف جرم (شکنجه)
۴۷	۳ - جرایم اجتماعی
۴۷	۴ - انحرافات اجتماعی

۴۸	مبارزه ریشه ای با جرم و انحراف
۴۸	مبارزه ریشه ای با جرم و انحراف
۴۸	۱ - تجدید هویت دینی
۴۹	۲ - اصلاح محیط
۵۰	۳ - رفع فاصله طبقاتی
۵۰	۴ - تحکیم نظام خانواده
۵۱	۵ - پیشگیری وضعی
۵۱	۶ - پیش بینی مجازات
۵۲	نمودهای رحمت الهی در مجازات ها
۵۲	نمودهای رحمت الهی در مجازات ها
۵۲	۱ - قاعده «دفع حدود به شبهه»
۵۲	۲ - احراز شرایط حدود
۵۳	۳ - پذیرش توبه
۵۳	خشونت ها و مدارات های نیک
۵۳	خشونت ها و مدارات های نیک
۵۳	الف) خشونت های نیک
۵۷	ب) مدارات های نیک
۶۰	قتل فرزند توسط پدر
۶۰	قتل فرزند توسط پدر
۶۱	۱ - مجازات، عامل بازدارنده
۶۱	۲ - جبران کنندگی بدون مجازات
۶۲	۳ - موقعیت پدر
۶۲	۴ - خداوند، سعادت انسان را می داند
۶۳	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۷۵	درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی تالیف علی اصغر رضوانی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۶۲ص.

فروست: سلسله مباحث دفاع از پیامبر اعظم صل الله علیه و آله.

شابک: ۲۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۸۰۰۲-۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Aliasghar Rezvani. Terrorism violence

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- نظریه درباره خشونت

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم).

رده بندی کنگره: BP۲۴/۹/خ ۶ر۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۱۴۸۸

ص: ۱

اشاره

در عصر کنونی که پیروان ادیان و فرق، در راستای اهداف خود دست به تبلیغ گسترده ای زده و با تمام امکانات دنبال اهداف باطل خود می باشند، بر پیروان راستین و حقیقی دین اسلام و مذهب حقه جعفری است که در این شلوغ بازار جهانی، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را بر مردم جهان عرضه نمایند.

لذا بر آن شدیم تا سلسله مباحث دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به صورت مختصر خدمت مشتاقان حق و حقیقت عرضه نماییم، باشد که مورد رضای حضرت حق جل و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

«ترور» واژه‌ای است هراس‌انگیز و نفرت‌زا، که با شنیدن آن فهرستی بلند از انواع مختلف خشونت‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها به ذهن انسان تداعی می‌کند.

ترور به معنای مصطلح خود دیربازی نیست که در قاموس لغات بشری راه یافته است، اما در همین مدت کوتاه آن چنان وجدان بشری را جریحه‌دار کرده که همه انسان‌ها در محکوم کردن آن هیچ تردیدی را به خود راه نمی‌دهند. جا دارد حکم این عمل را از دیدگاه اسلام مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

بررسی مفهوم ترور

«ترور» در لغت به معنای ترساندن، و تروریسم به معنای ارباب و تهدید، ایجاد ترس و وحشت میان مردم و تروریست به معنای طرفدار ارباب

و تهدید، طرفدار حکومت زور معنا شده است.^(۱)

و امّا در اصطلاح تا کنون تعریف جامعی از تروریسم نشده است. ولی در عین حال به برخی از تعاریف موجود در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۱ - در قطعنامه ۱۹۸۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل درباره تعریف تروریسم چنین آمده است: «فعالیت‌های مجرمانه و خشونت آمیزی که گروه‌های سازمان یافته برای ایجاد ارعاب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب اهداف به اصطلاح سیاسی خود را میسر سازند».^(۲)

۲ - محمّد حسین شاملو احمدی در این باره می‌نویسد: «تروریسم، مکتب خشونت و آدم‌کشی، به اعمال جنایتی اطلاق می‌شود که با هدف مقابله با کشورها و ایجاد رعب و وحشت در بین افراد یا گروه‌های معین یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروریستی ارتکاب می‌شود».^(۳)

۳ - «ولف» فیلسوف آمریکایی می‌نویسد: «تروریسم عبارت است از به کار بردن غیرمشروع زور و خشونت برای رسیدن به اهداف خاص. لذا استفاده مشروع از قدرت و زور داخل در مفهوم ترور نیست».^(۴)

ص: ۱۴

۱-۱. فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، دکتر عباس آریان پور، ج ۵، ص ۵۷۰۹؛ فرهنگ علوم سیاسی، شاملو احمدی، ص ۵۶۳.

۲-۲. بزهکاری بین‌المللی، آندرو بوسا، ترجمه نگار رخشایی، ص ۲۰.

۳-۳. فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ج ۱، ص ۱۳۸۰.

۴-۴. الإرهاب، مصطفی مصباح، ص ۴۴.

۴ - در فرهنگ علوم سیاسی، ترور چنین تعریف شده است: «ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق العاده اطلاق می شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون ریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است».^(۱)

اولین ترور در اسلام

در مورد این که اولین تروری که در اسلام اتفاق افتاد، نسبت به چه کسی بوده، اختلاف است. برخی اولین فردی که مورد ترور واقع شده را عمر بن خطاب می دانند، ولی حقّ این است که اولین شخص ترور شده سعد بن عباده می باشد. او کاندید از طرف انصار برای مقام خلافت بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله بود، ولی با مخالفت عدّه ای و در رأس آن ها عمر بن خطاب به مقام خلافت نرسید.

طبری و دیگران روایت کرده اند که سعد بن عباده را تا چند روزی رها کردند سپس کسی را به دنبال او فرستادند که باید به مسجد آمده و بیعت کنی؛ زیرا مردم و قوم تو بیعت نموده اند.

او در جواب گفت: «آگاه باشید! به خدا سوگند بیعت نمی کنم تا با شما به آنچه از کمان دارم بجنگم و سر نیزه خود را به خون شما سیراب نمایم و با

ص: ۱۵

اهل بیت خود و هر آن که از قومم در طاعت من می باشند، با شما به قتال پردازم. به خدا سوگند! اگر جن و انس با هم جمع شوند، من با شما بیعت نخواهم کرد تا بر خدای خود وارد شوم و بدانم که حسابم چیست.»

چون خبر به ابوبکر رسید، عمر به او گفت: سعد را رها نکن تا بیعت کند.

بشیر بن سعد به ابوبکر گفت: او لجاجت کرده و امتناع نموده است. او با شما بیعت نخواهد کرد تا کشته شود، و کشته نمی شود تا با او فرزند و اهل بیت و طایفه ای از عشیره اش کشته شوند، لذا چاره ای نیست جز آن که او را رها کنید و این کار به شما ضرری نمی رساند؛ زیرا او یک نفر است. او را به مشورت بشیر بن سعد رها کردند، ولی سعد بن عباد در نمازها و جماعت ها و حج آنان شرکت نمی کرد و این گونه بود تا ابوبکر از دنیا رفت... (۱)

بلاذری می نویسد: سعد بن عباد با ابوبکر بیعت نکرد و به شام رفت. عمر کسی را به سوی او فرستاد که هر طور شده او را به بیعت دعوت کند و در صورت امتناع با استعانت از خدا کار او را تمام نماید. آن شخص به شام آمد و سعد را در بستانی در حلب مشاهده کرد. ابتدا او را دعوت به بیعت نمود. سعد گفت: من هرگز با شخص قرشی بیعت نخواهم کرد. آن شخص گفت: تو را خواهم کشت. سعد گفت: گرچه مرا به قتل رسانی. او گفت: آیا

ص: ۱۶

۱- ۶. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۲۶؛ سیره حلبی، ج ۴، ص ۳۹۷؛ الریاض النضره، ج ۱، ص ۱۶۸.

از آنچه امت در آن وارد شده خارج می شوی؟ سعد گفت: از بیعت آری، من خارج می شوم. در آن هنگام بود که آن شخص تیری به سعد زده و او را به قتل رسانید. (۱)

آری، این اولین تروری بود که در اسلام اتفاق افتاد.

حکم ترور از دیدگاه شرع

اقدامات تروریستی بر ضدّ عموم مردم؛ اعم از افراد یا گروه و سازمانی که با اهداف سیاسی به طور مستقیم، جان، مال، ناموس و آبروی مردم بی گناه و زنان و کودکان و ... را مورد حمله قرار می دهد، با هر هدفی که سازمان دهی شود، از نظر وجدان بشری محکوم است و مصداق تروریسم محسوب می شود. در اسلام حتی در دفاع مشروع، کشتن افراد بی گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان، تخریب جنگل ها، درختان، آلوده کردن آب ها، تعرّض به ناموس مردم و پرده دری مجاز شمرده نشده است. در کتاب های حدیثی و تاریخی به ممنوع بودن این گونه اقدامات غیرانسانی حتی در دفاع های مشروع تصریح شده است. اینک به نمونه هایی در این مورد اشاره می کنیم:

۱ - در روایات فریقین شیعه و سنی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که

ص: ۱۷

۱- ۷. انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ عقد الفرید، ج ۳، ص ۶۴ - ۶۵.

فرمود: «الإيمان قَيْدُ الْفِتْكَ»؛^(۱) «ایمان از ترور جلوگیری کرده است.»

۲ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله هنگامی که می خواست سپاهی را برای جنگ اعزام نماید آن ها را فرا خوانده، در برابرشان می نشست و می فرمود: «سَيْرُوا بِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا تَغْلُوا وَلَا تَمْتَلُوا وَلَا تَغْدُرُوا وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا»؛^(۲) «با نام خدا و نکشید. و درختی را نبرید مگر این که مجبور شوید.»

۳ - و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَلْقَى السَّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ»؛^(۳) «رسول خدا صلی الله علیه وآله از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی کرده است.»

۴ - حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به نیروهای خویش چنین سفارش کرد: «هرگز با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنان آغازگر جنگ باشند. فراریان را نکشید و بر زخمیان نتازید. هتک حرمت و عورت نکنید. از مثلۀ کردن پرهیزید. وارد خانه های آنان مشوید. بر زنان حمله نبرید. و به کسی دشنام ندهید».^(۴)

ص: ۱۸

۱- ۸. نهاییه ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲- ۹. فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷.

۳- ۱۰. فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷.

۴- ۱۱. تذکره الخواص، ص ۹۱.

۵ - مورخان نقل کرده اند که چون مسلم بن عقیل خبردار شد که ابن زیاد در خطبه ای که ایراد کرده، مردم را از متابعت او برحذر داشته است، لذا ترسید که او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. از این رو از خانه مختار بعد از مغرب خارج شد و به خانه هانی بن عروه مدحجی پناه برد. او در تشیع مردی قوی و متعصب بود و از اشراف کوفه و قاریان آن دیار و شیخ عشیره مراد و زعیم آن به حساب می آمد. او چهار هزار زره پوش و هشت هزار پیاده نظام داشت و هر گاه هم پیمانان او را نیز ضمیمه آنان کنیم به حدود سی هزار نفر جنگجو می رسد که رئیس آنان هانی بن عروه بود. او از خواص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به حساب می آمد که در هر سه جنگ حضرت شرکت کرده بود. و نیز عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرده و به شرف صحبت و همنشینی با آن حضرت نایل گشته بود.

مسلم بن عقیل در خانه هانی پناه گرفت. از طرف دیگر شریک بن عبدالله اعور حارثی نیز بر هانی وارد شده بود. او از بزرگان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بود. مردی جلیل القدر در بین اصحاب به شمار می آمد که در صفین حضور داشته و به همراه عمار بن یاسر می جنگید. او با هانی بن عروه رفاقت خاصی داشت. در منزل هانی مرض سختی بر او عارض شد. ابن زیاد به عیادت او آمد قبل از آمدن ابن زیاد شریک بن عبدالله اعور به مسلم عرض کرد: هدف تو و شیعیان تو هلاکت ابن زیاد است، در اتاق خزانه مخفی شو و هر گاه از آمدن او اطمینان حاصل کردی

از اتاق خارج شو و او را به قتل برسان و من سلامت تو را ضمانت می کنم.

در این هنگام که آنان مشغول صحبت بودند، گفته شد که امیر بر در خانه است. مسلم وارد خزانه شد و بعد از چند لحظه عبیدالله بن زیاد وارد بر شریک شد، ولی مسلم از خزینه بیرون نیامد. چون شریک مشاهده کرد که مسلم دیر کرده به عنوان علامت دادن به او چند بار عمامه خود را از سر برداشته و بر زمین گذارد. و نیز با قرائت اشعاری او را به خروج از خزانه و حمله به ابن زیاد تحریک و تحریص نمود. مکرر اشعار را قرائت می کرد و چشمش را نیز به خزانه دوخته بود. آن گاه با صدای بلند که مسلم بشنود، گفت: او را سیراب کن گر چه مرگ من در آن باشد. در این هنگام عبیدالله به هانی التفات کرد و گفت: پسر عموی تو در مرضش هذیان می گوید. هانی گفت: شریک از زمانی که مریض شده هذیان می گوید، خودش نمی داند چه می گوید.

ابن زیاد از مجلس خارج شد و مسلم متعرض قتل او نشد. در این جا سؤالی که مطرح است این که چرا حضرت مسلم به قرار خود عمل نکرد و ام الفساد ابن زیاد را که در قتل امام حسین علیه السلام دخالت داشت به قتل نرسانید؟ و به تعبیر دیگر چرا قصاص قبل از وقوع جنایت نکرد؟

در مورد سؤال مورد نظر پاسخی هایی داده شده که به آن ها اشاره می کنیم:

اولاً: از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله از حيله و مکر نهی کرده، لذا حضرت مسلم از

این طریق برای مبارزه با ابن زیاد استفاده نکرد. در حدیثی حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «انّ الاسلام قید الفتک»؛^(۱) «همانا اسلام مانع حيله و مکر بوده و آن را غل کرده است.»

ثانیاً: این کار با سیره و روش مسلم سازگاری ندارد؛ زیرا او مردی باورع و باتقوا است و در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام تربیت شده است. وظیفه مسلم که از طرف امام حسین علیه السلام نسبت به آن مسئولیت دارد این است که از مردم برای حضرت بیعت بگیرد و از حوادث کوفه اطلاع یافته و امام را از آن باخبر سازد. و لذا اگر دست به قتل ابن زیاد می زد از حیطة وظایف خود خارج می شد.

ثالثاً: حضرت مسلم ملاحظه می کرد که وظیفه اش بیداری مردم است، اگر بدون بیداری امت، ابن زیاد و امثال او را به قتل رساند همین مردم دوباره شخصی دیگر مثل او یا از او بدتر را بر سر کار می آورند. مردم خود باید آگاه شوند و از فساد خلیفه مطلع گردند. و این هدف با ترور یک فرد حاصل نخواهد شد. و لذا در هیچ نصّ تاریخی ذکر نشده که حضرت مسلم طرح شریک را پذیرفته باشد. چه بسا مسلم در صدد فکر کردن درباره طرح او بوده، ولی قصد قطعی برای اجرای آن نداشته است.

رابعاً: با نظر و تأمل در قضیه پی می بریم که در حقیقت، گویا هانی بن عروه به ابن زیاد پناه و امان ضمنی داده بود؛ زیرا ابن زیاد به او خبر داد که می خواهد به عیادت شریک بیاید و او نیز ابن زیاد را اجازه داد و این خود

ص: ۲۱

یک نوع امان لفظی و قولی به ابن زیاد از جانب هانی به حساب می آید. و در این گونه موارد، اسلام انسان را مقید ساخته تا کسی را که دیگری امان داده، به قتل نرساند، گرچه شخصی فاجر و فاسق و ام الفساد باشد. خصوصاً آن که این شخص در خانه دیگری است و همسر او به این عمل رضایت نداده بلکه از او تقاضای صرف نظر از کشتن او را کرده و بر این امر اصرار می ورزد که در خانه او این قتل انجام نگیرد.

۶- کُشی در ترجمه حذیفه بن منصور به سندش از عبدالرحمن بن حجاج نقل کرده که گفت: ابوالعباس از فضل بقباق خواست تا برای حریر بن عبدالله سجستانی از امام صادق علیه السلام اذن بگیرد تا بر حضرتش وارد شود، حضرت به او اذن ورود نداد. دوباره خواست تا از حضرت برای او اذن بگیرد ولی به او اذن نداد. فضل بقباق به حضرت عرض کرد: چه چیزی است برای کسی که به درجه عقوبت غلامش برسد؟ حضرت فرمود: این قدر و اندازه گنااهش می باشد. فضل عرض کرد: به خدا سوگند شما بیش از آن کاری که حریر انجام داده او را عقوبت کردید. حضرت فرمود: «ویحک ائی فعلت ذلک؟ انّ حریراً جرّد السیف»؛^(۱) «وای بر تو، من این چنین کرده ام؟ همانا حریر کسی است که شمشیر کشیده است.»

نجاشی در ترجمه حریر بن عبدالله سجستانی می گوید: «او از اهالی کوفه بود که بسیار سفر به سجستان به جهت تجارت می کرد و لذا

ص: ۲۲

سجستانی معروف شد ... او از جمله کسانی بود که در سجستان شمشیر کشید و خوارج را به قتل رساند و این کار در زمان حیات ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) بود. و روایت شده که حضرت به او بی اعتنایی کرده و او را از خودش دور کرد.

خوارج گرچه کسانی بودند که استحقاق قتل را داشته و لذا حضرت علی علیه السلام تعداد بسیاری از آن ها را کشت، ولی از آنجا که حریز آن ها را ترور می کرد لذا حضرت به جهت تأدیب، او را به نزد خود راه نداد. و چون حریز این حرکت را از امام دید، از کرده خود پشیمان شد.

۷- ابن سعد در کتاب «الطبقات الکبری» درباره کیفیت اسلام آوردن مغیره بن شعبه از قول او می نویسد: «ما قومی از عرب بودیم که به دین خود پای بند بوده و خادم بت (لات) بودیم. با خود گفتیم که اگر قوم ما اسلام آورد من از آن ها پیروی نکنم. پس جماعتی از بنی مالک همراه با هدایایی قصد وارد شدن بر مُقَوْس را داشتند. من قصد کردم که با آن ها از شهر خود خارج شوم. با عمویم عروه بن مسعود که مشورت کردم او مرا از این کار نهی نمود و گفت: از فرزندان پدرت کسی همراه تو نیست. من اصرار بر خارج شدن داشتم و لذا همراه با آنان به تنهایی از شهر خارج شده و به اسکندریه وارد شدیم. به نزد مقوقس رفتم، وقتی مرا دید نشناخت و لذا از من سؤال کرد و بعد از شناسایی از ما پذیرایی نمود و سپس دستور داد تا بر او وارد شویم. ابتدا به سرپرست بنی مالک که من همراه او آمده بودم نظر

افکند و او را در کنار خود جای داد، و از او سؤال کرد: آیا همه شما از بنی مالک هستید؟ او گفت: آری، به جز یک نفر که از هم پیمانان ما است، و مرا به او نشان داد. در آن هنگام مشاهده کردم که من خوارترین افراد به نزد اویم. او دستور داد تا هدایایی را به نزد آن ها گذاشتند و برخی را بر برخی دیگر برتری داد، ولی در حق من کوتاهی کرد و تنها هدیه کمی به من داد که قابل ذکر نبود. ما همگی از نزد پادشاه بیرون آمدیم. بنی مالک با آن اموال مشغول خریدن اجناس برای اهل بیت خود برآمدند و همگی از این امر خوشحال بودند، ولی من قصد کشتن آن ها را کردم ... چون به «بُساق» رسیدیم، خودم را به بیماری زدم و سر خود را پوشاندم. آنان به من گفتند: تو را چه شده است؟ گفتم: سرم درد می کند. لذا آن ها مرا رها کرده و مشغول شراب خوری شدند. من به آن ها گفتم: گرچه سرم درد می کند، ولی می نشینم و شما را از شراب سیراب می کنم. آنان پذیرفتند. من هم شراب پیاپی به آن ها دادم تا آن که مست لا یعقل به خواب رفتند، من هم حمله برده و همه آن ها را به قتل رساندم و سپس تمام هدایای شان را به غارت بردم. آن گاه مستقیماً با لباس سفر وارد مدینه شده و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم. مشاهده کردم که در مسجد با اصحاب خود نشسته اند. بر آن حضرت به تهیّت اسلام، سلام دادم. ابوبکر بن ابی قحافه به من نظر کرد و او مرا می شناخت، گفت: تو فرزند برادر عروه هستی؟ گفتم: آری، آمده ام تا شهادتین بگویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حمد خدایی را سزااست که

تو را به اسلام دعوت کرد. ابوبکر گفت: آیا از مصر آمده ای؟ گفتیم: آری. گفت: مالکیون که با تو بودند، چه کردند؟ گفتیم: بین من و آن ها از آن کارهایی که بین عرب اتفاق می افتد، انجام شد، در حالی که ما بر دین شرک بودیم و من همه آنان را به قتل رساندم و اموالشان را به غارت برده و به نزد رسول خداصلی الله علیه و آله آوردم تا آن ها را تخمیس کرده، یا نظر خود را درباره آن ها بگویند؛ زیرا این ها غنایمی از مشرکین است و من هم مسلمان شده ام و به محمدصلی الله علیه و آله ایمان آورده ام.

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: اسلام تو را قبول کردم، ولی چیزی از اموال آن ها را بر نمی دارم و تخمیس نیز نمی کنم؛ زیرا این کار حيله است و در حيله خیری نیست ... (۱)

بررسی آیه ارباب

برخی به آیه ارباب تمسک کرده و حکم به جواز ترور دشمنان اسلام داده اند تا در آن ها ایجاد خوف و وحشت نموده، دست از دشمنی با اسلام و مسلمین بردارند.

خداوند متعال می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ

ص: ۲۵

وَأَنْتُمْ لَأُتْلَمُونَ»؛ (۱) «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد. و هرچه در راه خدا انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.»

در توجیه آیه فوق می‌گوییم: آیه امر به آماده کردن جنگ جویان فقیر از سوی ثروتمندان دارد؛ زیرا هنگامی که دشمنان مشاهده کنند مسلمانان از لحاظ جنگی و لجستیکی در آمادگی کامل به سر می‌برند هیچ‌گاه قصد تعرض به مسلمانان نمی‌کنند.

فخر رازی در تفسیر آیه فوق می‌گوید: «هنگامی که کافران بدانند، مسلمانان آماده جهاد و مستعد بر آیند و تمام انواع اسلحه و ادوات جنگی را آماده کرده‌اند از آنان می‌ترسند. و این خوف مفید اموری چند است:

۱ - هرگز به فکر اشغال بلاد اسلامی نمی‌افتند.

۲ - چون ترسشان شدید شود چه بسا از ناحیه خود به جزیه تن در دهند.

۳ - چه بسا این خوف سبب پذیرش اسلام آن‌ها شود.

۴ - به فکر کمک به دیگر کفار نمی‌افتند.

۵ - این سبب می‌شود که در بلاد اسلامی ملاحظاتی داشته باشند.

ص: ۲۶

اقدام به جهت دفاع از جان

گرچه اطلاق برخی از روایات دلالت دارد بر این که نباید متعرض زنان و کودکان شد ولی این نکته قابل توجه است که اطلاق روایات مربوط به شرایط عادی و عدم اضطرار است و گرنه در صورتی که دفاع و دفع دشمن از تعرض به اسلام و مسلمین، بر این امر توقف داشته باشد، این کار جایز است.

لذا در روایت حفص بن غیاث آمده است که او گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد شهری از شهرهای کفار جنگی پرسیدم: آیا می شود آب را بر روی آن ها رها کرد؟ یا آن را به آتش کشید؟ و یا با منجنیق آن ها را در هم کوبید در حالی که در میان آنان زنان و کودکان و سالخوردهگان و اسیران مسلمان و بازرگانان وجود دارند؟ حضرت فرمود: این اقدامات انجام می گیرد و به خاطر آن ها از این کارها اجتناب نمی شود... (۱)

توجیه برخی از ترورها

در تاریخ صدر اسلام ترورهایی انجام گرفته است که احتیاج به بررسی دقیق دارد اینک به این موارد اشاره می کنیم:

۱- ابو عفک؛

رسول خداصلی الله علیه و آله با یهود قرارداد ترک محاصمه و عدم تعرض به یکدیگر

ص: ۲۷

۱- ۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب جهاد العدو، ح ۱.

بسته بود، ولی یهود قبل از جنگ بدر بر ضدّ رسول خداصلی الله علیه وآله و مسلمانان توطئه کرده و متعرض انواع اذیت ها بر آنان می شدند. «ابو عفک» یهودی از جمله کسانی است که با اشعار خود مردم را بر ضدّ رسول خداصلی الله علیه وآله می شوراند. سالم بن عمیر نذر کرد که او را به قتل رسانده یا خودش بر سر این کار بمیرد، لذا رفت و او را به قتل رسانید. (۱)

مشخص است که این قتل از جهاتی قابل توجیه است:

اولاً: این قتل و ترور از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله یا به امر او نبوده است.

ثانیاً: این عمل بعد از نقض عهد و پیمان از ناحیه یهود انجام گرفته است؛ زیرا همان گونه که گفته شد، مسلمانان و یهود پیمان بسته بودند که هیچ گونه تعرّضی نسبت به یکدیگر نداشته باشند.

۲ - عصماء دختر مروان؛

برخی از مورخین می گویند: چون «ابو عفک» کشته شد، «عصماء دختر مروان» از این امر ناراحت شد و شروع به عیب گویی بر علیه اسلام و مسلمین کرد و انصار را به جهت پیروی از رسول خداصلی الله علیه وآله توییح نمود و رسول خداصلی الله علیه وآله را با شعر هجو و مسخره کرده و مردم را بر ضدّ آن حضرت تحریک نمود، و این کار تا بعد از جنگ بدر ادامه داشت.

«عمیر بن عوف» که چشمانش کم دید بود، او را با جست و جو توسط دوستانش پیدا کرد و بعد از جدا کردن بچه شیر خوارش که مشغول خوردن

ص: ۲۸

شیر از پستان او بود، با فرو بردن شمشیر در سینه اش او را به قتل رسانید ... (۱)

این قصه از جهاتی قابل تردید و مناقشه است:

اولاً: این عمل از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله و به امر او نبوده است.

ثانیاً: عمیر بن عوف که چشمانش کم دید بوده، چگونه دست به این عمل ظریف و دقیق آن هم در شب تاریک زده، به طوری که اصلاً عصماء نفهمیده است.

ثالثاً: غالب مورخان این قصه را نقل نکرده اند.

۳ - کعب الأشرف؛

ابن اسحاق می نویسد: خبر شکست مشرکان در بدر و کشته شدن تعدادی از آنان و گریه مردم بر کشته شدگان خود، بر «کعب الأشرف» گران تمام شد، لذا شروع به مسخره کردن پیامبرصلی الله علیه وآله و اصحاب او به شعر نمود. او زنان مسلمان و حتی همسران پیامبرصلی الله علیه وآله را با شعر هجو و توهین می کرد و آنان را از این طریق اذیت و آزار می نمود. (۲)

سپس به سوی مکه رفت و مردم آنجا را بر ضد رسول خداصلی الله علیه وآله تحریک نمود و از آنجا خارج نشد تا این که آنان را بر جنگ با رسول خداصلی الله علیه وآله متفق

ص: ۲۹

۱- ۱۸. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۶ - ۴۰۷؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲- ۱۹. سیره ابن اسحاق، ص ۳۱۷؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۸ و ...

القول کرد و حتی در جواب ابوسفیان که از او پرسیده بود: دین ما بهتر است یا دین محمد و اصحاب او؟ او دین مشرکان را ترجیح داد.^(۱)

چون کعب الأشرف به مدینه بازگشت، رسول خداصلی الله علیه وآله سخنی فرمود که برخی از صحابه؛ همچون محمد بن مسلمه لزوم کشتن او را فهمیدند، لذا او با ابو نائله که برادر رضاعی کعب الأشرف بود، با طراحی خاصی کعب را به قتل رساندند.

در توجیه این قتل می گوئیم:

اولاً: قتل او ترور به حساب نمی آید؛ زیرا پیامبرصلی الله علیه وآله آن را به طور علنی اعلام کرده بود، درحالی که در ترور عنصر پنهان کاری نهفته است.

ثانیاً: همان گونه که اشاره شد، کعب دائماً درصدد توطئه بر ضد اسلام و مسلمین و پیامبرصلی الله علیه وآله بود و در حقیقت در حال جنگ با مسلمانان بود.

۴ - ابو رافع؛

در سال سوم یا چهارم و بنا بر نقلی، بعد از واقعه احد ابو رافع بن حقیق که از یهود بود، در خیبر شبانه به توسط پنج یا هشت نفر که در میان آن ها عبدالله بن عتیک بود، به قتل می رسد. و جهت کشتن او به توسط مسلمانان این بود که او همکار کعب بن الأشرف در دشمنی با رسول خداصلی الله علیه وآله و اذیت و آزار او بود، لذا مسلمانان مصلحت دیدند که او را از پای درآوردند؛ زیرا او و کعب الأشرف و امثال آن دو از اظهر مصادیق محاربین

ص: ۳۰

و نقض کنندگان عهد و پیمان به حساب می آمدند شاهد این مطلب این که:

أولاً: همسر کعب الأشرف او را از این گونه اعمال برحذر می داشت و به او می گفت: تو با این کارت جنگ طلب هستی.

ثانياً: به همین جهت بود که یهود لازم دیدند تا بار دیگر عهد و پیمانی را که نقض کرده بودند، تجدید کرده و بار دیگر نزد امام علی بن ابی طالب علیه السلام پیمان جدیدی امضا کنند.^(۱)

ص: ۳۱

۱- ۲۱. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۳؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۹۲ و ...

اسلام و خشونت

برخی از روشن فکر نماهای غرب زده با مشاهده بخشی از احکام جزایی و قوانین کیفری اسلام، از آنجا که به فلسفه و حکمت آن پی نبرده اند، درصدد حمله به آن ها و به استهزا و مسخره کردن این احکام برآمده و معتقدند که این گونه احکام دارای خشونت بوده و با حقوق مسلم بشر سازگاری ندارد. اینک جا دارد مفهوم خشونت را بررسی کرده و احکامی که مصداق آن دانسته اند را نیز مورد بحث قرار دهیم. و بررسی کنیم که آیا خشونت در اصل خوب است یا بد.

مفهوم خشونت

خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند

ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی نیز شامل توهین و تهدید می شود. بعلاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات است از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می نماید می توانند از مصادیق لغوی خشونت باشند.

البته در لغت معنای متعددی برای این لفظ شده است. خشونت کردن به معنای درشتی، تندی کردن، ضدّ لینت و نرمی، خشم، غضب و ... که از خفیف ترین مصادیق خشونت به معنای رایج امروزی است. (۱)

انواع خشونت

انواع خشونت

خشونت انواع و اقسامی دارد که برخی از آن ها صحیح و معقول بوده و برخی دیگر نیز ناصحیح است. اینک به انواع آن با تحلیل هر یک اشاره می کنیم:

۱- مجازات و کیفر

۱- مجازات و کیفر

مجازات، آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه برای شخص که مقصّر است بر طبق قانون تعیین می کند. آزار را که صدمه به حقی از حقوق مجرم می آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات، اصلاح مجرم و دفاع از عدالت است. آزار، وسیله نیل به این هدف عالی است. مجازات را قاضی در حدودی که

ص: ۳۴

قانون مطرح و معلوم نموده تعیین می کند. مجازات ضامن اجرای قواعد مربوط به نظم عمومی است ... (۱)

به تعبیر دیگر: مجازات، واکنش جامعه در قبال پدیده مجرمانه است، و از دیدگاه حقوق جزا عبارت است از تحمیل و واکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار. (۲)

تصور مجازات بدون ایجاد هیچ محدودیت و مزاحمتی برای مجرم، با مفهوم و فلسفه مجازات سازگاری ندارد. لیکن نوع، میزان و کیفیت مجازات باید طوری باشد که اصلاح مجرم و پیشگیری عام و خاص را در حد امکان موجب شود.

در اسلام هدف از اعمال مجازات، اصلاح فرد و جامعه بوده و هیچ گاه هدف نبوده است.

ضرورت وجود مجازات در جامعه

قانون گذار دینی به منزله طبیب حاذقی است که هدف او معالجه امراض مردم است. هر گاه عضوی از اعضای بدن انسان به مرضی مبتلا شود آن طبیب در مقام معالجه برمی آید. و اگر قابل معالجه نباشد در صورتی که به اعضای دیگر سرایت نکند و لطمه ای به دیگر جای بدن نزند آن را به حال خود می گذارد؛ مانند فلج شدن، ناشنوایی، نابینایی و ... و اگر به

ص: ۳۵

۱- ۲۳. حقوق جزای عمومی، دکتر باهری، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲- ۲۴. زمینه حقوق جزای عمومی، دکتر نوربها، ص ۲۵۶.

سایر اعضای دیگر بدن سرایت کند و موجب هلاکت آن شود ناچار باید آن را قطع کند؛ زیرا فاسد شدن تمام بدن سخت تر و بدتر از قطع شدن عضوی از آن است.

اسلام نیز که برای معالجه و شفای کلیه امراض روحی همچون: شرک، کفر، ضلالت، اخلاق رذیله و اعمال سیئه در مقام راهنمایی و هدایت جمیع مردم برمی آید؛ چنان که در جمله «هُدًى لِّلنَّاسِ» آمده است، و اگر قابل هدایت و معالجه نیستند و در مقام اضرار و افساد و اضلال دیگران نیز نمی باشند با آنان از طریق صلح و مسالمت رفتار می کند، و گرنه چاره ای جز قتل و قمع آنان نیست. و از این جهت دین اسلام در بسیاری از معاصی و ترک واجبات، حدّ و تازیانه ای قرار داده تا شخص معصیت کار را از نافرمانی برهاند و از فساد دور سازد و راه توبه را باز نموده و به حکم عقل واجب فرموده تا به خدا بازگردند. و اگر بعد از سه مرتبه معالجه نشدند و باز گشت نمودند، حکم قتل را صادر می کند. بلکه در مواردی همان حدّ اول را قتل و رجم و اعدام قرار داده است. همه این احکام به این جهت است که فساد به دیگران سرایت نکند و جامعه به فساد و تباهی کشیده نشود.

مشاهده می کنیم امروز که حدود الهی در ممالک اسلامی جاری نمی شود چه مقدار فساد شایع شده و به همه طبقات سرایت کرده است.

تبعیت احکام از مصالح

شارع مقدس هیچ حکمی را بدون دلیل و مصلحت مطرح نکرده است.

باید عواطف و احساسات در شناخت این مصالح سایه نیفکند و نباید اهداف مهم و طولانی مدت را فدای یکسری مصلحت سنجی های موقتی کرد. و لذا در آیات قرآن خصوصاً در زمینه احکام جزایی، سخن با «اولی الالباب»؛ صاحبان خرد است نه عواطف و احساسات.

تفسیر و تبیین هر فلسفه ای باید بر اساس مصالح فردی و اجتماعی؛ اعم از دنیوی و اخروی صورت پذیرد، امری که فقط شارع می تواند به آن جامه عمل بپوشاند. این احکام در یک نگاه می توانند خشن باشند، ولی در نگاه دیگر عین رحمت الهی هستند. همانند پدری که بر فرزند خویش خشم می کند چون او را دوست دارد و به آینده او علاقه مند است. اگر خلافی کند ناراحت می شود و گاهی نیز رفتار تند از او سر می زند. و حال آن که چه بسا رفتاری ناهنجار تر از دیگران ببیند و آن قدر ناراحت نشود. این نحوه برخورد ناشی از علاقه به فرزند و عدم توجه به دیگران است. آنچه باید مدّ نظر باشد این است که علاقه باید به صورت حقیقی باشد نه کاذب و سطحی؛ یعنی احساسی که عقل بر آن حکومت کند. و لذا قرآن کریم در مورد اجرای حدود الهی بر زن و مرد زناکار تصریح می کند که «لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ»؛ (۱) «نباید در اجرای دین خدا بر این دو [زن و مرد زناکار] شما را ترحمی بگیرد.» چون جای ترحم نیست. حال آنجا که این جرم در خلوت صورت گیرد و بازتاب اجتماعی نداشته باشد، اسلام موضوع

ص: ۳۷

را به قیامت واگذار کرده است. ولی آنجا که بازتاب اجتماعی داشته باشد، حدود و تعزیرات را بر اساس یک سری اهداف و با رعایت شرایطی وضع کرده است؛ زیرا در اثر گناه یک فرد و اشاعه آن در جامعه، اجتماع یک قدم به پرتگاه نزدیک تر می شود. همانند ویروسی که یک فرد می سازد و در شبکه های کامپیوتری رها می کند و موجب خسارت های بسیاری می شود.

در اینجا قانون گذار باید وارد عمل شود و مجازات های مناسب با آن جرم را اعمال نماید که کوتاهی و تسامح در این موارد، ضربه های جبران ناپذیری را بر پیکره اجتماع وارد می کند.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که:

اولاً: هر مجازات جایگزین دیگری هم می تواند مورد سؤال واقع شود و معلوم نیست تبعات آن ها کمتر از آنچه فعلاً وجود دارد باشد. زندان و یا جریمه که به عنوان مجازات جایگزین مطرح شده، می توانند عوارض بدتری برای جامعه فراهم کنند، ضمن آن که راه برای چنین تعزیراتی از سوی حکومت اسلامی باز است.

ثانیاً: احکام جزایی، صرفاً منشأ قراردادی ندارد بلکه ناشی از مصالح واقعیه است و تبدیل دل بخواهی آن ها با این ایده تطابق دارد که صرفاً آن ها را قراردادی بدانیم.

ثالثاً: این احکام به عناوین اولیه وضع شده اند و آنجا که مصلحت چیز دیگری را اقتضا کند تغییراتی ایجاد خواهد شد.

رابعاً: در این مجازات‌ها اثرات بسیار چشم‌گیری است که در هیچ نوع دیگری از آن‌ها یافت نمی‌شود. اگر مجازات‌های دزدی آن‌هم با شرط‌های نادری که در فقه آمده است در جای خودش اجرا گردد و دزد مطمئن شود که در صورت ارتکاب به این عمل، انگشتان او برای همیشه قطع می‌گردد و در جامعه نیز انگشت نما خواهد شد، هرگز به سراغ این عمل ناپسند نخواهد رفت.

مجازات و کرامت انسان

برخی می‌گویند: مجازات، خشونت است که با کرامت انسان مغایر است!

ولی در جواب آن‌ها می‌گوییم: هر انسانی از کرامت ذاتی برخوردار است و خود مسؤول حفظ کرامت خود است. و لذا نباید به حقوق دیگران تجاوز کند. حال اگر به وظیفه خود عمل نکرد و همانند حیوان، حقوق دیگران را پایمال نمود، آیا مجازات او با کرامت انسانی تنافی دارد؟ او خود کرامت خویش را حفظ نکرده و این مجازات نیز نتیجه عملی است که دو اثر داشته است: یکی تجاوز به حقوق دیگران، و دیگری از بین بردن کرامت خویش.

در قرآن کریم مثل این افراد را همانند حیوانی قرار داده که تنها با محدود کردن آن‌ها می‌توان از اجحاف‌هایشان در امان ماند، و اصولاً شلاق و سایر مجازات‌ها نیز برای همین افراد وضع شده است. (۱)

ص: ۳۹

عبدالقادر عوده می گوید: «مجازات تازیانه در مورد کسی که خود حرمت انسانی خویش را رعایت نکرده است، موجب کسر شرافت او نمی گردد».^(۱)

۲ - خشونت در کشف جرم (شکنجه)

اگرچه حتمیت در کشف و تعقیب جرایم تأثیر بسزایی در کاهش جرم دارد، اما نمی توان خشونت در این مرحله را مجازات شمرد. دستگاه های تعقیب کننده با مجهز شدن به دانش های روز و نیروهای کارآموده و با ضریب هوشی بالا باید طوری عمل کنند که از حيله ها و راه های فرار مجرمین از چنگال عدالت عقب نمانند.

در مقررات اسلامی، همواره بر ممنوعیت شکنجه و باطل بودن اقراری که از این طریق حاصل شود، تأکید شده است. اصل «برائت» در حقوق جزایی اسلامی و معین بودن ادله اثبات دعوی در سیستم حقوقی اسلام، حاکی از اهمیت این امر از دیدگاه اسلام است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در تأکید بر ممنوعیت این نوع خشونت می گوید: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع، ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می شود».

بنابراین، سیاست کیفری اسلام، توسل به اقدام خشونت بار در مرحله

ص: ۴۰

۱- ۲۷. التشریح الجنائی الاسلامی، عبدالقادر عوده، ج ۱، ص ۶۴۰.

تعقیب و کشف جرایم را ممنوع کرده و فرار مجرم از مجازات را بر مجازات و شکنجه بی گناهان ترجیح داده است.

۳- جرایم اجتماعی

جرم، یکی از مصادیق بارز خشونت در جامعه است. بروز بزهکاری، امنیت و آسایش را از جامعه سلب نموده و در مردم ایجاد هراس می کند. امّا این که چه واکنشی در برابر جرم باید داشت؟ دیدگاه های مختلفی است، آیا از بین بردن علل و عوامل جرم زا کافی است؟ آیا عوامل جرم زا قابل شناسایی و محصورند تا با از بین بردن آن ها بزهکاری ریشه کن شده و نیازی به اقدامات کیفی نباشد؟ آیا از بین بردن زمینه های ارتکاب بزه، ما را از واکنش همراه با خشونت مستغنی می کند؟

در برخورد با جرایم افراد و واکنش مناسب با خشونت و بزهکاری، «مصلحت» نیز می بایست مدّ نظر باشد. جامعه نباید مصالح اجتماعی را فدای مصالح فردی کند. اگر مسیر جامعه به سمت سعادت و کمال باشد و مصالح جامعه مدّ نظر قرار گیرد، قطعاً مصلحت جامعه، همان جامع مصلحت افراد است. و لذا سلب برخی آزادی های فردی و ایجاد برخی محدودیت ها برای افراد در جهت حفظ سلامت جامعه ای که متعلق به افراد است، اجتناب ناپذیر می باشد.

۴- انحرافات اجتماعی

بسیاری از اعمال ممکن است تحت عنوان «خشونت» قرار گیرد و لذا

واکنش علیه آن‌ها ضروری است؛ زیرا ایجاد ناامنی و وحشت در جامعه می‌کنند که منشأ بروز جرایم شدیدتری است. برای مثال نوشیدن مشروبات الکلی منشأ بروز بسیاری از قتلها و ضرب و جرح‌ها است.

در بررسی ۶۰ زن قربانی ضرب و شتم، ثابت شده که استعمال الکل در ۹۳ درصد این وقایع نقش بسزایی داشته است. در بررسی دیگری الکل‌سیسم به عنوان حلقه زنجیره خشونت در ۴۰ درصد موارد در نظر گرفته شده است.

بنابراین استعمال مشروبات الکلی و تظاهر مستانه، موجب ایجاد ترس و خوف گردیده، بعلاوه عامل مهم در ازدیاد خشونت است.

ریباخواری، قمار و بسیاری از اعمال انحرافی جنسی و اعمال منافی عفت، معضلاتی هستند که جامعه را تباه کرده و منشأ بسیاری از خشونت‌ها و انحرافات دیگر می‌باشند.

در مقررات اسلامی این گونه اعمال مورد مذمت قرار گرفته و با آن‌ها شدیداً برخورد شده است.

مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف

مبارزه ریشه‌ای با جرم و انحراف

اسلام راه‌های معقولی را برای ریشه کن کردن خشونت از افراد و اجتماع ذکر کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - تجدید هویت دینی

اسلام، آیینی است که به رفع نیازمندی‌های واقعی و فطری انسان

می پردازد، و رفع این نیازمندی ها که برنامه های تربیتی عالی را برای مؤمنین در بر دارد، عاملی قوی در جلوگیری از بزهکاری و جرم و انحراف است. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لا-یزنی الزانی اذا یزنی و هو مؤمن، و لایسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن. و لایشرب الخمر حین یشربها و هو مؤمن»؛^(۱) «زانی هنگامی که زنا می کند مؤمن نیست. و دزد هنگامی که دزدی می کند مؤمن نیست. و شارب خمر هنگامی که شرب خمر می کند مؤمن نیست.»

انسان اهل معنویت و تدبیر، همیشه خود را در محضر خدا می بیند و وظایف خود را بدون لزوم نظارت کسی انجام می دهد. و اعتقاد به معاد و حساب و کتاب و حضور در پیشگاه خدا، مانعی عظیم برای جلوگیری از انحرافات او است.

۲- اصلاح محیط

نقش محیط در اصلاح انسان یا انحراف او بسیار قابل ملاحظه است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مصاحبه الصالحین داعیه الی الاصلاح»؛^(۲) «همنشینی با صالحان انسان را به اصلاح نفس خود دعوت می کند.»

و نیز از حضرت نقل شده که فرمود: «الناس بأمرائهم اشته منهم بآبائهم»؛^(۳) «مردم به امیران خود شبیه ترند تا به پدران خود.»

ص: ۴۳

۱- ۲۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴؛ المحلی، ابن حزم، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

۲- ۲۹. کافی، ج ۱، ص ۲۰.

۳- ۳۰. تحف العقول، ص ۲۰۸.

۳ - رفع فاصله طبقاتی

فقر و غنای بیش از حد، هر دو از عوامل جرم به شمار می آیند؛ زیرا فاصله طبقاتی باعث می شود که اهل زور و زر برای حفظ موقعیت خود دست به ارتکاب جرایمی بزنند و در مقابل، فقر نیز باعث می شود عده ای انتقام جویانه مرتکب خشونت هایی شوند.

حضرت علی علیه السلام در سفارشی به مالک اشتر می فرماید: «ثُمَّ أُسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنًى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حِجَّةٌ عَلَيْهِمْ أَنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ»؛^(۱) «به کارگزاران حقوق مکفی برسان تا به آنان در اصلاح نفس خود کمک کند و از دست درازی به اموال مردم که در اختیارشان هست بی نیاز سازد. این امر، اتمام حجتی بر آنان است در صورتی که با امر تو مخالفت کردند.»

۴ - تحکیم نظام خانواده

یکی دیگر از عوامل بروز و ظهور جرم و خشونت «بحران در نظام خانواده» است. و لذا ثبات و پایداری خانواده و تربیت فرزندانی که آینده ساز یک جامعه سالم باشند تأثیر بسزایی در کاهش جرم و خشونت دارد.

قرآن در این زمینه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛^(۲) «ای اهل ایمان! خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.»

ص: ۴۴

۱- ۳۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- ۳۲. سوره تحریم، آیه ۶.

خداوند متعال در این آیه نتیجه را از انسان خواسته که همان نجات خود و خانواده از آتش دوزخ است، حال به هر وسیله که ممکن و مشروع باشد، باید انسان از انحرافات و کژی ها نجات یابد.

۵- پیشگیری وضعی

روش دیگری که برای جلوگیری از بروز خشونت و ظلم و جرم مطرح شده پیشگیری وضعی است. به این که قانونی وضع شود که بتواند از این که فکر مجرمانه به منصه ظهور و فعلیت برسد، جلوگیری کند.

از جمله مواردی که در قرآن کریم به آن اشاره کرده، توصیه به طلبکاران، مبنی بر گرفتن سند یا گواه هنگام پرداخت وجه یا مال به دیگران است. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ...» (۱) «ای اهل ایمان! هنگامی که مالی را تا زمان معینی قرض می دهید بنویسید... و دو نفر شاهد مرد [بر آن بگیرید...].»

این تدابیر همگی برای جلوگیری از ظهور و بروز جرم است.

۶- پیش بینی مجازات

یکی دیگر از راه های جلوگیری از وقوع جرم در جامعه، پیش بینی و قرار دادن مجازات های مختلف برای اعمال ناشایست است تا بتواند انسان را ترسانده و از وقوع جرم جلوگیری کند. گرچه این قوانین به حدی نیست که بتواند اختیار انسان را سلب نماید.

ص: ۴۵

نمودهای رحمت الهی در مجازات ها

نمودهای رحمت الهی در مجازات ها

با مراجعه به موارد مجازات های اسلامی مشاهده می کنیم که اسلام در عین آن که مجازات های سختی را به جهت اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از وقوع جرم قرار داده، ولی در عین حال نمونه هایی از رحمت الهی را نیز در آن ملاحظه کرده است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- قاعده «دفع حدود به شبهه»

از جمله قواعدی که بیانگر روح رحمت الهی و گذشت نسبت به افراد خاطی در این دنیا می باشد، قاعده «دفع حدود به خاطر شبهه» است. قاضی در صورتی می تواند حدود را جاری سازد که هیچ نوع احتمال دیگری در بین نباشد. بنابراین هر گاه متهم ادعای جهل، فراموشی، و ... بکند، چنانچه از نظر عقلا- و عرف جامعه اسلامی این ادعا موجب باشد، حکم الهی درباره او جاری نخواهد شد. این قاعده که کاربرد فقهی وسیعی در زمینه مجازات ها دارد نشانگر لطف الهی نیز هست.

۲- احراز شرایط حدود

اجرای حدود الهی منوط به تحقق شرایط آن است؛ به عنوان مثال: خداوند متعال برای اجرای حدّ سرقت بیش از بیست شرط قرار داده است. مثلاً سارق نباید از روی اضطرار و یا در سال قحطی دست به این اقدام زده باشد و ... فقدان هر یک از شروط مانع از اجرای حدّ سرقت است.

۳- پذیرش توبه

نقش داشتن توبه در سقوط حدود، شاهد دیگری از رحمت بی پایان الهی است. توبه به عنوان عملی که در ضمیر شخص می تواند تحقق یابد و یکسری نمودهای بیرونی داشته باشد، بهترین وسیله برای سقوط مجازات های الهی است.

خشونت ها و مدارات های نیک

خشونت ها و مدارات های نیک

کلمه «خشونت» و «مدارات» از امور نسبی هستند و لذا نمی توان آن ها را فی نفسه خوب دانست. متغیرها و عواملی چون معنا، فاعل، متعلق، انگیزه، هدف، میزان، وسیله، ظرف و شرایط، قطعاً در تعیین حسن و قبح خشونت و مدارات دخیل است، و بدون توجه به این عناصر هشت گانه، خشونت و مدارات نه تحقق پذیرند و نه تحلیل بردار. لذا هر کس بپرسد: خشونت و مدارات قبیحند یا حسن، زشتند یا زیبا؟ باید از او بپرسیم: کدامین خشونت و مدارات.

الف) خشونت های نیک

خشونت های حسن و نیک را می توان در مواردی خلاصه کرد:

۱- خشونت به معنای قاطعیت و سرسختی در اجرای قانون و سختگیری در تحقق عدالت و صلابت در دفاع از حق، که امام علی علیه السلام مصداق بارز آن بود.

ص: ۴۷

۲ - خشونت قانونی و سختگیری طبق قانون؛ زیرا اگر چنین نباشد نظم در جامعه پدید نمی آید و در نتیجه حقوق آحاد و جوامع انسانی تضییع خواهد شد. و لذا قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (۱) «و هر کس از حدود الهی تجاوز کند از ستمکاران خواهد بود.»

۳ - خشونت از سوی مقام مسؤول؛ زیرا دخالت نابجا و بی جواز از عناصر غیر مسؤول در ایجاد خشونت، نظم و امنیت عمومی را به مخاطره می اندازد.

۴ - خشونت رحمانی؛ زیرا خشونت از سوی خالق رحمان و مربی غمگسار، از آن جهت که به انگیزه تربیت و با هدف تکامل بخشی و طبعاً از سر مهر است، کاری ارزشی است.

۵ - خشونت در قبال دشمنان و حق ستیزان و تعدی گران به حقوق مردم، آن گونه که قرآن می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (۲) «محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او همراهند با کفر پیشگان سخت گیر و سرسختند و در میان خویش بسی نرم دل و مهربان اند.»

۶ - خشونت در برابر زورگویان و ستم کیشان، آن گونه که امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «كونا للظالم خصماً»

ص: ۴۸

۱- ۳۴. سوره بقره، آیه ۲۹.

۲- ۳۵. سوره فتح، آیه ۲۹.

و للمظلوم عوناً»؛^(۱) «خضم ستم کیش و یار ستم کش باشید.»

۷ - خشونت بازدارنده از نظر شرع ضرورت دارد، قرآن در این باره می فرماید: «فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْآخَرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ»؛^(۲) «پس اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد.»

۸ - خشونت علیه خائنان و فتنه گران. خوارج، چهره در چهره امام علی علیه السلام می ایستادند و در حالی که هزاران مؤمن به حضرت اقتدا کرده بودند بر ضد او شعار می دادند. حضرت در ابتدا اجازه نمی داد کسی متعرض آن ها شود، اما وقتی کار آن ها به خشونت و خیانت رسید و دست به شمشیر بردند و به اقدام عملی بر ضد امام علی علیه السلام انجامید و جنگ نهروان برپا شد، حضرت با آنان شدیداً برخورد کرد. و تنها جایی که پس از غلبه بر دشمن آشکارا حضرت بدان مباحات کرد اینجا بود، که فرمود: «إيها الناس! فاني فقأت عين الفتنه ...»؛^(۳) «ای مردم! من چشم فتنه را از حدقه بیرون آوردم.»

۹ - خشونت با رهبران کفر و ظلم به جهت ریشه کن کردن ظلم و ظلمت، آن گونه که خداوند می فرماید: «فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُنتَهُونَ»؛^(۴) «با پیشوایان کفر پیکار کنید، چرا که آن ها پیمانی ندارند، شاید [با شدت عمل] دست بردارند.»

ص: ۴۹

۱- ۳۶. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- ۳۷. سوره حجرات، آیه ۹.

۳- ۳۸. نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

۴- ۳۹. سوره توبه، آیه ۱۲.

۱۰ - خشونت برای اهداف برین انسانی و احقاق حق و استقرار عدالت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ...»؛ (۱) «چرا در راه خدا، و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟! همان افراد [ستمیده ای] که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند، بیرون ببر.»

۱۱ - خشونت و قاطعیت و سرسختی و سازش ناپذیری در دفاع از دین، آن گونه که خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ...»؛ (۲) «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آن ها سخت بگیر!»

۱۲ - خشونت در دفاع از منافع ملی و حراست از مصالح بشریت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ ...»؛ (۳) «و با آن ها پیکار کنید، تا فتنه [و بت پرستی، و سلب آزادی مردم] باقی نماند ...».

۱۳ - خشونت در برابر خشونت، آنجا که قرآن کریم می فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛ (۴) «و [به طور کلی] هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن با او مقابله کنید.»

ص: ۵۰

۱- ۴۰. سوره نساء، آیه ۷۵.

۲- ۴۱. سوره های توبه، آیه ۷۳؛ تحریم، آیه ۹.

۳- ۴۲. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

۴- ۴۳. سوره بقره، آیه ۱۹۴.

زیرا گاهی خشونت را جز به خشونت نمی توان برانداخت. از حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه روایت شده که فرمود: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»؛^(۱) «سنگ را به همان سمت که دشمن پرتاب کرده برگردانید که شر جز به شر زدوده نمی شود.»

۱۴ - خشونت به عنوان واپسین چاره در برابر قضایا و بلایا، همان گونه که رفتار پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام این چنین بوده که صبر کرده و سماحت می ورزیدند و تا ناچار نمی شدند خشم نمی گرفتند و خشونت نمی کردند.

(ب) مدارات های نیک

اگر پرسیده شده در چشم انداز اسلام کدامین مدارات نیک است می گوئیم:

۱ - مدارات و تسامح به معنای تحمیل عقاید رقیب، در عین باورمندی و پایبندی به حقایق اعتقادات خود. و به تعبیری: سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل و تعاطی افکار و انظار. خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَلَا تَسْتَبْهُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَبْهُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛^(۲) «[به معبود] کسانی که غیر از خدا را می خوانند، دشنام ندهید، مبادا آن ها [نیز] از روی [ظلم و جهل، خدا را دشنام بدهند.»

ص: ۵۱

۱- ۴۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۱۴.

۲- ۴۵. [سوره انعام، آیه ۱۰۸].

و نیز می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛^(۱) «پس بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند.»

اگر طرح و تبیین منطقی و علمی آرا و افکار، مجاز نباشد نوبت به گزینش نمی رسد، لذا خداوند در پایان آیه این دسته را از خردمندان نامیده است.

۲ - مدارات و مماشات، برای تدبیر مناسبات اجتماعی توسط زمامداران؛ زیرا با تحکّم و تک صدایی کار جامعه به سامان نمی رسد.

۳ - مدارا برای شنیدن حق. قرآن می فرماید: اگر در گرما گرم جنگ، یک نفر مشرک امان خواست باید به او پناه دهی تا در امنیت و آرامش کامل بیاید و کلام خدا را بشنود، اگر خواست بپذیرد و مسلمان شود، اما اگر نپذیرفت با تأمین جانی او را به جبهه کفار برسان.

خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛^(۲) «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود [و در آن بیندیشد] سپس او را به محلّ امنش برسان چرا که آن ها گروهی نا آگاهند.»

قانونی مترقی تر از این در هیچ مکتب و ملّتی در زمینه قوانین جنگی و آزادی اندیشه وجود ندارد.

ص: ۵۲

۱- ۴۶. سوره زمر، آیه ۱۸.

۲- ۴۷. سوره توبه، آیه ۶.

۴ - مدارا و مسامحه به عنوان استراتژی دائم و استثنا پذیر، نه این که تنها در مواقعی که به نفع ما باشد.

۵ - مدارات و مماشات در چارچوب شرع و در سایه اخلاق و قانون، که می تواند به تحکیم شریعت و بالا بردن سطح فرهنگی جامعه و محکم کردن پایه های قانون گذاری و توسعه قانون گرایی کمک می کند.

۶ - مدارا و مسامحه در برابر دوستان، آنجا که می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (۱) «محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.»

۷ - مدارات با خطاکاران، آنجا که می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ (۲) «به هر حال [با آن ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی برگردان] و با آنان ستیز مکن.»

و نیز می فرماید: «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»؛ (۳) «پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند [بلکه] پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آن ها شوید.»

ص: ۵۳

۱- ۴۸. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲- ۴۹. سوره اعراف، آیه ۱۹۹.

۳- ۵۰. سوره نساء، آیه ۹۰.

قتل فرزند توسط پدر

قتل فرزند توسط پدر

در فقه اسلامی آمده است که اگر پدری فرزند خود را بکشد قصاص نخواهد شد. اشکال شده که این حکم به منزله اجازه قانونی برای اعمال خشونت در قبال کودکان است.

درباره این اشکال می‌گوییم:

آری، اصل این حکم صحیح است. محقق در «شرایع الاسلام» می‌فرماید: «سومین شرط (از شرایط قصاص) این است که قاتل، پدر نباشد و در این صورت، پدر کشته نخواهد شد و باید کفاره و دیه پردازد و حاکم او را تعزیر می‌نماید. و هیچ کس با این حکم مخالفت نکرده است.» (۱)

مرحوم صاحب جواهر در توضیح سخن مرحوم محقق ابتدا به احادیثی چند از امامان معصوم علیهم السلام تمسک کرده و در ادامه می‌فرماید: «علاوه بر احادیثی که ذکر شد که از آن‌ها یقین به حکم حاصل می‌شود... البته کفاره ای که باید پردازد کفاره جمع است.» (۲)

بر همین اساس، در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و نیز به تعزیر محکوم خواهد شد.»

در توجیه این حکم به نکاتی چند اشاره می‌کنیم:

ص: ۵۴

۱- ۵۱. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶۹.

۲- ۵۲. همان.

۱ - مجازات، عامل بازدارنده

یکی از ویژگی های مجازات خوب این است که در حدّ ممکن بازدارنده باشد. از این رو مجازات مؤثری که برای قتل عمد می توان در نظر گرفت همان قصاص است که بهترین عامل بازدارنده قتل عمد در جامعه است.

ولی درباره بازداشتن پدر نسبت به قتل فرزند باید گفت: پدر بیشترین علاقه و دلبستگی، مهر و عطف را به فرزند خود دارد، و این امر بهترین عامل بازدارنده از کشتن فرزند است، و نیازی نیست که برای او مجازات های سنگین وضع گردد تا موجب عبرت پدران دیگر گردد؛ زیرا علاقه و محبت پدر به فرزند خود عامل بسیار قوی و نیرومندی برای کاهش آمار این جنایات هولناک در جامعه است. لذا آمار قتل فرزند نسبت به کلّ قتل هایی که در جامعه اتفاق می افتد بسیار اندک و ناچیز است.

۲ - جبران کنندگی بدون مجازات

یکی دیگر از ویژگی های یک مجازات خوب این است که تا حدّ ممکن، صدمات و زیان هایی را که بر اثر آن جنایت به دیگران وارد شده، جبران نماید. از این نظر قصاص بهترین مجازات برای قتل عمد است؛ زیرا در حدّ ممکن از فشارهای روحی و غم و اندوه بستگان مقتول می کاهد و خاطر آنان را تسلی می دهد.

ولی در قصاص و کشتن پدری که بر اثر فوران شعله های آتش خشم در وجودش اقدام به کشتن فرزند خود کرده نه تنها موجب تسلی خاطر خانواده

مقتول نخواهد شد، بلکه داغ دیگری را بر مصیبت آن ها خواهد افزود. آری، حکومت اگر مصلحت بداند می تواند جدای از حق قصاص اولیای دم، مجازات سنگینی حتی اعدام را برای او مقرر کند.

۳ - موقعیت پدر

یکی از عواملی که در مسأله قتل فرزند به دست پدر مطرح است، مسأله حرمت پدر است و شاید تخفیف مجازات های او نیز به همین جهت باشد.

اسلام برای حفظ کانون گرم خانواده که رکن اساسی آن پدر است اهمیت فراوانی قائل است و لذا می توان به جهت حفظ این موقعیت بر سایر اعضای خانواده از این تشکیلات استفاده کرده و در سایه آن به زندگی گرم خود ادامه دهند، اسلام تخفیف ویژه ای برای پدر قاتل فرزند قرار داده است.

۴ - خداوند، سعادت انسان را می داند

هیچ یک از مطالبی که گفته شد نمی تواند به طور قطع و یقین علت این حکم باشد؛ زیرا بر اساس جهان بینی اسلامی، تنها خداست که می تواند همه اجزای برنامه سعادت انسان را تنظیم کند. در تشریح هر حکم و قانونی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، هزاران عامل و پارامتر دخالت دارد که احاطه کامل به همه این عوامل و محاسبه دقیق آن ها و مقایسه آن ها از حیطة قدرت و توان انسان خارج است.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۶ صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه ای
- ۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات
- ۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۲۰۱) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی
- ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

- ۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات
- ۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش
- ۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۲۲ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی
- ۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۲۶ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۲۹ بهتر از بهار / کودک شمس (فاطمه) وفائی
- ۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۳۵ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۳۷ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۹ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

ص: ۵۸

- ۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا
- ۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش
- ۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری
- ۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی
- ۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی
- ۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد
- ۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی
- ۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی
- ۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای
- ۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی
- ۵۲ دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا
- ۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی
- ۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی
- ۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی
- ۵۶ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات
- ۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی
- ۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی
- ۵۹ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری
- ۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۶۳ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

ص: ۵۳

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی

۶۵ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۶۷ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سبب حامد حجّتی

۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۷۵ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری

۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۴ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

ص: ۶۰

- ۸۷ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۸۹ مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۹۲ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- ۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۹۶ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۹۷ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۹۸ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای
- ۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات
- ۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۰۴ نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی
- ۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۰۹ نهج البلاغه / (وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

ص: ۶۱

۱۱۰ نهج الكرامه گفته ها و نوشته های امام حسين عليه السلام محمّد رضا اكبرى

۱۱۱ و آن كه ديرتر آمد الهه بهشتى

۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات على اصغر رضوانى

۱۱۳ وظايف منتظران واحد تحقيقات

۱۱۴ ويژگى هاى حضرت زينب عليها السلام سيد نور الدين جزائرى

۱۱۵ هديه احمديه / (جيبى، نيم جيبى) ميرزا احمد آشتيانى رحمه الله

۱۱۶ همراه با مهدي منتظر مهدي فتلاوى/بيژن كرمى

۱۱۷ ياد مهدي عليه السلام محمد خادمى شيرازى

۱۱۸ يار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتى

۱۱۹ ينابيع الحكمة / عربى - پنج جلد عباس اسماعيلى يزدى

جهت تهيه و خريد كتاب هاى فوق، مى توانيد با نشانى:

قم - صندوق پستى ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمكران مكاتبه و يا با شماره تلفن هاى ۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نماييد.

كتاب هاى درخواستى بدون هزينه پستى براى شما ارسال مى گردد.

ساير نمايندگى هاى فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

يزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فريدون كار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

ص: ۶۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

